

روابط فرهنگی ایران و انگلستان در عصر قاجار با تأکید بر نقش ایران پژوهان

انگلیسی

چکیده:

در این پژوهش، به مرور اجمالی سیر روابط سیاسی ایران و انگلستان می‌پردازیم. سپس به بررسی مناسبات فرهنگی دو کشور در عصر قاجار خواهیم پرداخت و طی دو مبحث، از این روابط سخن خواهیم گفت و نقش انگلیسی‌ها را در این عرصه ارزیابی خواهیم کرد. نخست از نقش‌آفرینان این روابط در چهار دسته - دیپلمات‌ها، نظامیان، سیاحان و ایرانگردان و دیگر استادان و پژوهشگران ایران شناس و فارسی‌دان - یاد خواهد شد. سپس حاصل کار این چهار دسته انگلیسان در قلمرو تاریخ، جغرافیا، تمدن و هنر ایران و زبان و ادب فارسی بررسی می‌شود و ضمن معرفی پژوهش‌ها و تحقیقات گوناگون آنان اعم از تألیف و تدوین آثار در این زمینه‌ها، نقد و تصحیح متون، ترجمه و اقتباس آثار علمی وادبی منظوم و مثنوی، کاوش‌ها و کشفیات در آثار تاریخی و ابنیه باستانی و دیگر تلاش‌های هر چهار دسته نقش‌آفرینان این عرصه‌ها، نقش آنان در شناخت و شناسایی و ارتقاء عرصه‌های گوناگون فرهنگ ایران و نهایتاً تعاملات و روابط فرهنگی دو کشور در طول دوران صد و پنجاه ساله سلطنت قاجارها بر ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

دیپلماسی، شناخته شده ترین و معمول ترین ابزار اعمال سیاست خارجی محسوب می شود و از این رو روابط سیاسی نیز که مشخصاً در بستر دیپلماسی جریان می یابد، نهادینه ترین روابط و مناسبات میان کشورهاست. در عین حال، سیاست خارجی ابزارهای دیگری چون فرهنگ، تبلیغات، اقتصاد و قوای قهریه یا نیروهای مسلح را نیز تجربه کرده است. استفاده از فرهنگ و وجوه مختلف آن در مقام یکی از ابزارهای سیاست خارجی بخش قابل توجهی از روابط فرهنگی کشورها به ویژه کشورهای قدرتمند و سلطه جو را تشکیل می داده است که از آن می توان به دیپلماسی فرهنگی تعبیر کرد. بدیهی است روابط و مناسبات فرهنگی تنها در دیپلماسی فرهنگی و به عبارتی روابط رسمی میان دولت ها و یا سیطره جویی فرهنگی خلاصه نمی شود و گستره وسیعی از پیوندها، همکاری ها و ارتباطات دولتی و غیردولتی را دربرمی گیرد. این امر به ویژه میان کشورهایی که از پیشینه و قوت فرهنگی برخوردارند و در عرصه ها و وجوه مختلف فرهنگ همچون زبان و هنر و ادبیات، امتیازات و تشخیصاتی دارند، زمینه های بیشتری می یابد. روابط فرهنگی ایران و انگلیس الگوی شاخصی در این عرصه است که اگرچه به طور معمول تحت الشعاع مناسبات این دو کشور در عرصه های سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار داشته و تا حدود زیادی مغفول واقع شده، از اهمیت خاصی برخوردار است.

در عصر قاجار - نیمه دوم سده هجدهم و سراسر قرن نوزدهم - انگلستان در مقام یکی از و ابرقدرت جهان و به مثابه یکی از سه همسایه قدرتمند ایران، در بازی بزرگ قرن با حریف خود، روسیه تزاری رقابت و توازنی را در عرصه حضور و نفوذ

در ایران دنبال می کرد که این روند در اوایل قرن بیستم با سقوط تزارها و اضمحلال امپراتوری روسیه، انگلستان را در مقام بزرگترین قدرت جهانی در صحنه سیاسی ایران، یکه تاز و بی رقیب ساخت و ایران را کوتاه زمانی در آستانه ورود به شرایط نیمه مستعمراتی و تحت الحمایگی قرار داد. در حالی که از منظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و استراتژیک، روابط دو کشور ایران و انگلستان در عصر قاجار روابطی نابرابر و سلطه جویانه بود، روابط و مناسبات فرهنگی دو کشور یکسره چنین نبود. این مناسبات از یک سو - مشخصاً در بعد دولتی- هم راستا با روابط در عرصه های دیگر غالباً در جهت شناخت جامع تر ایران و به مثابه ابزاری برای بسط حضور و نفوذ سیاسی، تجاری، مالی و نظامی انگلستان در ایران و منطقه و از دیگر سو - عمدتاً در ابعاد غیردولتی- در بستری از توجهات، علایق و همکاری های متقابل و سازنده و با رویکردی آمیخته با حرمت و مودت جریان یافت. دانشگاه ها و محافل دانشگاهی و دیگر مراکز و نهادهای علمی و پژوهشی انگلستان در این عرصه به نوبه خود هر دو رویه مناسبات و بده بستان های فرهنگی میان دو کشور را به نمایش گذاشتند. بخشی همسو با نهادهای استعماری به خدمت تأمین نیازهای آنان در عرصه شناخت و اشراف جامع الاطراف ایران درآمدند و بخشی استقلال و هویت علمی و پژوهشی و ادبی و فرهنگی خویش را حفظ کردند و تداوم بخشیدند. طبعاً عرصه های بینابینی و تأمین کننده هر دو هدف یا هر دو رویه مناسبات فرهنگی نیز در این میان پدید می آمد و نوعی همپوشی در این زمینه به وجود می آورد. این بررسی، عمدتاً به روابط و مناسبات مستقل و سازنده فرهنگی ایران و انگلستان در عصر قاجار اختصاص می یابد که با

عنایت به نکته مذکور، گاه همپوشانی‌ها و عرصه‌های متقارن همکاری و ارتقاء فرهنگی دو سویه با بهره‌برداری‌های غیرفرهنگی را بالزور شامل می‌شود.

نگاهی اجمالی به روابط ایران و انگلستان در عصر قاجار

گرچه تاریخ روابط و مناسبات ایران و انگلستان را به سده هفتم هجری، دوره سلطه مغولان در ایران، می‌توان بازگرداند، اما روابط سیاسی رسمی میان دو کشور از عصر قاجار و مشخصاً در عهد سلطنت فتحعلی شاه آغاز شد. در واقع از همین دوران بود که روابط خارجی رسمی و دیپلماسی به مفهوم کنونی و متداول آن در ایران شکل گرفت و به موازات شکل‌گیری وزارتخانه‌ها و نهادهای اداری امروزی - البته در اشکال محدود عصر خود - وزارت خارجه یا دستگاه دیپلماسی کشور نیز تأسیس و روابط مناسبات سیاسی با معدود کشورهای مستقل زمان - از جمله انگلستان - پایه‌گذاری شد. در عصر سلاطین بعدی - محمدشاه و بویره ناصرالدین شاه - طبعاً وزارت خارجه نیز، همچون دیگر نهادها و مؤسسات دیوانی و دولتی وسعت گرفت و مشخصاً وزارتخانه مزبور مشکلات اداری خاص خود را یافت که می‌توان آن را سرمنشأ ساختار تشکیلاتی کنونی این وزارتخانه خواند. بر این اساس وزارت خارجه به ادارات خمسه، دفتر مرکزی، دفاتر خمسه و چند کارگزاری تقسیم شد. ادارات خمسه یا بخش‌های پنجگانه اصلی این وزارتخانه به جز اداره انطباعات و دارالترجمه و مقدم السفرا، شامل چهار اداره بود که سه مورد از آنها به روابط با سه قدرت بزرگ زمان - انگلستان، روسیه و عثمانی - که همسایگان وقت ایران محسوب می‌شدند، اختصاص داشت و آخرین آنها، اداره دول غیرهمجوار خوانده می‌شد.¹ طبعاً از آن زمان تا امروز که روابط سیاسی با انگلستان به لحاظ تشکیلاتی به اداره اول غرب اروپا، زیرمجموعه

اداره کل غرب اروپا در معاونت اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه مربوط می شود، این مناسبات با همه فراز و نشیب های خود از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

نخستین نماینده رسمی انگلستان در ایران در عصر قاجار، سرجان ملکم بود که در سال 1798 در عهد سلطنت فتحعلی شاه قاجار به ایران اعزام شد. در واقع روابط رسمی سیاسی یا دیپلماتیک ایران و انگلیس از آن تاریخ آغاز شد. دومین نماینده انگلستان در ایران که رقیب ملکم محسوب می شود، سرهارفورد جونز بود که با عنوان وزیرمختار انگلستان به ایران آمد. نماینده بعدی، سرگوراوزلی، در سال 1811 به ایران گسیل شد و رسماً عنوان سفیر داشت. پس از وی، جیمز موریه با عنوان وزیرمختار نماینده بعدی انگلستان در ایران بود که در سال 1814 به این سمت دست یافت. هنری ویلاک، نماینده بعدی بود که در سال 1815 با عنوان کاردار به ایران اعزام شد.² با این حال، افتتاح رسمی سفارت انگلستان در تهران در باغ ایلچی در بازار قدیمی تهران در سال 1200/1821 صورت گرفت.³ در سال 1826 سرجان ملکم دونالد کینیر(باجناق سرجان ملکم) با عنوان وزیر مختار و در سال 1830 نیز سرجان کمبل در مقام کاردار نمایندگان بعدی انگلستان در ایران بودند.⁴

سیری در روابط و مناسبات فرهنگی ایران و انگلستان و نقش آفرینان انگلیسی آن در عصر قاجار

در این بررسی ابتدا به نقش آفرینان روابط فرهنگی و سپس آثار و تلاش های آنان می پردازیم. در ساحت نخست، در چهار مقاله به دیپلمات ها، نظامیان، مسافران و سیاحان، و نهایتاً استادان و پژوهشگرانی که در ایران اقامت نداشته یا به این سرزمین

سفر نکرده و تماس مستقیمی با ایران نداشته اند و کار خود را مشخصاً در عرصه دانشگاه ها، محافل آکادمیک و مراکز پژوهشی کشور خود عرضه کرده اند، خواهیم داشت و به ترتیب توالی زمان از آغاز تا پایان مقطع تاریخی مورد نظر از آنان یاد خواهیم کرد.

در ساحتی دیگر، حاصل کار این چهار دسته انگلیسان را در قلمرو تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، زبان، ادبیات، هنر، معماری و باستان شناسی به اجمال بررسی خواهیم کرد و از نقش آنان در شناخت، شناسایی، معرفی، ارتقاء و نهایتاً تعامل، تبادل و روابط فرهنگی دو کشور از طریق پژوهش ها و تحقیقات در زمینه های گوناگون، تألیف و تدوین آثار در این زمینه ها، نقد و تصحیح متون، ترجمه و اقتباس آثار علمی و ادبی منظوم و منثور، کاوش ها و اکتشافات در آثار تاریخی و ابنیه باستانی، و دیگر تلاش هایی که به شناخت هر چه بیشتر خود آنان، ایرانیان و دیگران از ایران انجامید، سخن خواهیم گفت.

الف: دیپلمات‌ها

چنانکه اشاره شد، نخستین مأمور سیاسی انگلستان در ایران، سرجان ملکم (1769-1832) بود که در عهد سلطنت فتحعلی شاه قاجار به ایران گسیل شد و علاوه بر منصب دیپلماتیک خود، در عین حال از نظامیان ارشد انگلیسی نیز محسوب می شد. ملکم که در هند، زبان فارسی آموخت، نه تنها خود از ایران شناسان و شناسندگان ایرانی بود، بلکه نظامیانی که از جمله پاتینجر را برای کسب اطلاعات به ایران آورد که آنان نیز همچون ملکم آثار ارزشمند و منحصر به فردی در باب ایران و

ایران شناسی نگاشتند.⁵ به کتاب نامدار سرجان ملکم در این زمینه در جای خود اشاره خواهد شد. سرجان ملکم در تشویق انگلیس‌های دیگری از جمله هانری راولینسون به فراگیری زبان و ادب فارسی و آشنایی با فرهنگ و تمدن ایرانی نقش مؤثری داشت.⁶

دومین نماینده انگلستان در ایران که بر خلاف سرجان ملکم، نظامی نبود، سرهارفورد جونز از شیفتگان زبان‌های شرقی بویژه زبان و ادبیات فارسی بود.⁷ جونز کتاب‌هایی در باب تاریخ ایران نگاشت که از آن یاد خواهد شد.

از دیگر دیپلمات‌های ایران شناس و ادیب انگلیسی، سرگوراوزلی بود که با داشتن مقام رسمی سفارت، علاوه بر آنکه خود به ترجمه‌ی احوال‌شماری از شاعران ایران پرداخت، برخی همراهان و منشیان او در شمار فارسی‌دانان و ادیبانی بودند که در معرفی فرهنگ و ادبیات ایران نقش شایان توجهی داشتند. از آن میان، می‌توان به برادرش سرویلیام اوزلی (1767-1824) اشاره کرد که منشی خصوصی سفارت انگلستان در تهران بود. ویلیام اوزلی در پاریس و لندن تحصیل کرد.⁸ وی که علاقه وافری به ایران و ایرانیان داشت، به اطراف و اکناف ایران سفر کرد و علاوه بر سفرنامه مفصلی که نگاشت، کتاب‌های متعددی را بعضاً پس از مقابله با نسخ مختلف از فارسی به انگلیسی ترجمه کرد و در آشنایی مردم انگلستان با فرهنگ و تمدن ایران و زبان و ادب فارسی نقش بسزایی داشت.⁹ پس از ویلیام جونز، ویلیام اوزلی نخستین انگلیسی بود که اشعار و جملات فارسی را در نوشته‌های خود به عنوان شاهد مثال نقل کرد.¹⁰

جیمز جاستینین موریه (1780-1849) دیگر منشی سفارت انگلستان در ایران در دوره سفارت سرگوراوزلی که پس از چندی خود، نمایندگی انگلستان در ایران

را به عهده گرفت، در از میر به دنیا آمد و حدود هفت سال از 1812 تا 1819 در ایران بود.¹¹ جیمز موریه نیز کتاب هایی در باب ایران و ایرانیان نگاشت که در جای خود از آنها یاد خواهد شد.

از دیگر دیپلمات های فارسی دان و ایران شناس انگلیسی، جیمس بیلی فریزر (1783-1856) بود که پس از تحصیل در آکسفورد و آموختن زبان فارسی و سفرهای شخصی و مأموریت های اداری از جمله در هند، در سال های 1821 و 1822 و بار دیگر در 1833 و 1834 در مقام عضوی از اعضای هیأت های سیاسی انگلستان به ایران سفر کرد و سفرنامه هایی مشتمل بر توضیحات دقیق و عالمانه از جزئیات مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نگاشت.¹²

رابرت گرانت واتسون (1892-) از دیگر دیپلمات های انگلیسی بود که در سال 1875 ابتدا به خلیج فارس و سپس به سفارت انگلستان در تهران مأمور شد و پس از مأموریت هایی به هرات و هند در سال 1859 بار دیگر به تهران اعزام و در مقام یکی از وابستگان نظامی سفارت، مشغول به کار شد. کتاب معروف وی در باب تاریخ ایران در عصر قاجار از منابعی است که مورد استناد و استفاده دیگر نویسندگان انگلیسی از جمله راولینسون، گلدسمیت و کرزن قرار گرفت.¹³

سر هانری کروزیوک راولینسون (1895-1810) در شمار دیپلمات های ایران شناس، ادیب و فارسی دان انگلیسی بود که منشی سرجان ملکم شد و به تشویق او به آموختن زبان فارسی همت گماشت.¹⁴ راولینسون در سال 1833 پس از درخواست دولت ایران برای آموزش نظامیان ایرانی همراه با هشت افسر انگلیسی دیگر

با اشتیاق به ایران سفر کرد و تا سال 1849 در ایران ماند. هانری راولینسون پس از سال ها مطالعه‌ی پیگیر و طاقت‌فرسا، سرانجام برای نخستین بار موفق به کشف رمز خط میخی و خواندن و ترجمه کتیبه های داریوش در بیستون شد و از این طریق نکته های تاریک بسیاری را از تاریخ هخامنشیان روشن کرد. راولینسون در سال 1858 به نمایندگی پارلمان انگلیس، انتخاب و سپس وزیرمختار انگلیس در تهران شد اما در سال 1860 استعفا داد و به ادامه تحقیقات خود در باب تاریخ و جغرافیای ایران پرداخت. راولینسون از سال 1876 تا پایان عمر، یکی از اعضای هیأت امنای موزه بریتانیا بود و آثار ارزشمندی در باب باستان شناسی، تاریخ و جغرافیای ایران و بین النهرین از خود به جای گذاشت. وی که در ادوار سلطنت فتحعلی شاه و محمد شاه در ایران مأموریت داشت، در سفرهای ناصرالدین شاه به انگلستان، مهماندار و مترجم او بود.¹⁵

ادوارد هنری پالم (1840-1882) از دیگر دیپلمات های ادیب و زبانان انگلیسی در ایران بود که علاوه بر فارسی، زبان های عربی، عبری، اردو، سانسکریت، یونانی، ایتالیایی و لاتین را می دانست. ادوارد پالم نخستین استاد برجسته زبان و ادب فارسی در دانشگاه کمبریج بود.¹⁶ پالم علاوه بر ترجمه و انتشار برخی آثار منظوم و مثنوی فارسی، با اهتمام به تدوین و نشر فهرست هایی از مخطوطات فارسی به ویژه تألیف فرهنگ ها و نوشته هایی در باب دستور زبان فارسی، در معرفی و ترویج زبان و ادب فارسی در میان انگلیسی زبانان نقش مؤثری داشت.¹⁷ پروفیسور پالم همچنین یکی از استادان زبان فارسی ادوارد براون بود.¹⁸ ادوارد پالم در سفرنامه ناصرالدین شاه به انگلستان، مترجمی او را به عهده داشت و در سال های 1867 تا 1869 وابسته فرهنگی و مترجم فارسی سفارت انگلستان در تهران بود.¹⁹

کلنل سر چارلز ادوارد بیت دیپلمات انگلیسی دیگری بود که در سال 1893

کفیل کنسولگری و در سال های 1896 تا 1898 سر کنسول انگلستان در مشهد بود.²⁰ از کتاب نامدار او که حاوی اطلاعات دقیقی در باب شرق ایران است، در جای خود یاد خواهد شد.

ژنرال مهندس سر آلبرت هوتم شیندلر (1846-1916) از ایران شناسان اتریشی الاصل انگلیسی بود که در سال 1876 مشاور تلگراف در وزارت پست و تلگراف ایران و در سال 1893 مدیرکل بانک شاهنشاهی ایران و سپس بازرس کل بانک و بعداً مشاور نظامی دولت ایران شد. وی در طول سال های طولانی مأموریت های خود در ایران از 1876 تا 1911 علاوه بر تسلط یافتن به زبان فارسی، مطالعات و تحقیقات گسترده ای در باب تاریخ و باستان شناسی ایران انجام داد و دهها کتاب در باب ایران نگاشت.²¹ از هوتوم شیندلر سفرنامه هایی نیز باقی مانده که حاوی اطلاعات ذیقیمتی در خصوص مناطق مختلف ایران است.²² بخش هایی از کتاب معروف لرد کرزن - ایران و قضیه ایران- در باب عراق عجم ظاهراً به قلم شیندلر نگاشته شده است.²³

از نامدارترین دیپلمات های ایران شناس انگلیسی که به ویژه به دلیل کتاب نامور او - ایران و قضیه ایران- نام او با نام ایران درآمیخته، لرد جرج ناتانیل کرزن (1859-1925) است. کرزن پس از تحصیل در مدرسه مشهور ایتون و دانشگاه آکسفورد به اقصی نقاط جهان سفر کرد و حاصل دیده ها و شنیده های خود را به صورت مقالاتی در روزنامه تایمز منتشر ساخت که سه کتاب مطرح او از جمله ایران و قضیه ایران، در واقع تدوین همین مقالات بود. جرج کرزن از سال 1891 تا پایان

حیات خود در سال 1925 معاون دیوان هند (وزیر امور هندوستان)، نایب السلطنه هند، رئیس دانشگاه آکسفورد، کفیل وزارت خارجه و وزیر خارجه انگلستان بود.²⁴ کرزن در سال 1889 به ایران سفر کرد و چندی در باغ ایلچی مقر سفارت انگلستان در تهران به سر برد.²⁵ وی در همان سال به عنوان خبرنگار تایمز به برخی نقاط ایران از جمله مشهد سفر کرد و اطلاعات دقیقی از اوضاع جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی شهرها و روستاهای مسیر خود گردآورد که در شمار منابع ارزشمند و قابل استناد در این زمینه محسوب می شود.²⁶

از دیپلمات های ایران شناس انگلیسی دیگری که خاطرات او حاوی اطلاعاتی در باب ایران است، از آرتورهارینگ (1859-1933) می توان یاد کرد که از 1900 تا 1905 وزیرمختار انگلستان در ایران بود.²⁷

ژنرال سرپرستی مولسورث سایکس (1867-1945) از دیگر دیپلمات های انگلیسی و رئیس پلیس جنوب ایران بود که زبان فارسی را در هند آموخت و طی شش سفر خود به ایران، جمعاً 25 سال در میان ایرانیان اقامت داشت و قریب ده کتاب نوشت که بیش از نیمی از آنها به ایران مربوط می شود.²⁸ وی به زبان، ادبیات، تاریخ، هنر، فرهنگ و فولکلور ایران آشنایی و علاقه ای بسیار داشت و نگاه او به ایران و ایرانیان برخلاف کسانی چون جیمز موریه در مجموع نگاهی منصفانه و عالمانه است. نخستین سفر سایکس به ایران به مدت پنج ماه در سال های 1893 و 1894 و سفرهای بعدی او در سال های 1893 تا 1894 به مدت هفت ماه، 1894 برای تأسیس کنسولگری انگلستان در کرمان که سه سال تا 1897 به طول انجامید، 1897 تا 1901 به مدت چهار سال که طی آن در سال 1898 کنسولگری انگلستان در سیستان تأسیس

شد، 1905 تا 1913 که سرکنسول انگلستان در مشهد بود و سرانجام ششمین سفر او که در سال 1916 به منظور تأسیس پلیس جنوب ایران انجام شد و تا 1918 به درازا کشید. سایکس در مجموع نزدیک به نیم قرن با ایرانیان در ارتباط بود.²⁹

از دیگر دیپلمات‌های ادیب و ایران‌شناس انگلیسی به سرگرد ای بی سوان (1881 - 1904) می‌توان اشاره کرد. وی پس از تحصیل در دانشگاه کمبریج و آموختن آلمانی و فرانسه در سال 1898 عازم مشرق زمین شد و در سال 1902 به خدمت در بانک شاهی ایران پرداخت. سوان در سال 1903 به بوشهر سفر کرد، در سال 1904 مأمور خدمت در بانک شاهی شیراز شد، در 1905 به مدیریت بانک شاهی کرمانشاه منصوب شد، در 1909 در کنسولگری انگلستان در خرمشهر و سپس در شرکت نفت جنوب به کار پرداخت و در 1913 به معاونت کنسولگری انگلستان در قصر شیرین رسید. با شروع جنگ جهانی اول، سوران در خدمت ارتش انگلستان به بصره اعزام شد و پس از چندی به معاونت کنسولگری انگلستان در دزفول رسید.³⁰ سوان که به زبان‌های فارسی و کردی تسلط یافته بود، به ایران و ایرانیان بویژه کردها علاقه خاصی داشت و علاوه بر ترجمه اشعار خیام به انگلیسی و تألیف فرهنگ کردی به انگلیسی، سفرنامه‌ای حاوی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی از سفرهای خویش نگاشت که آرنولد تالبوت ویلسون مقدمه‌ای بر آن نوشت.³¹

سر آرنولد تالبوت ویلسون (1884 - 1940) یکی دیگر از دیپلمات‌های ایران‌شناس انگلیسی بود که پس از تحصیل در دانشکده سند هرست و کالج نظامی شاهی و مأموریت در ارتش انگلستان در هند، در سال‌های 1909 تا 1913 معاونت دوم کنسولگری انگلستان در بوشهر را به عهده داشت. ویلسون در سال 1914 نماینده

انگلستان در کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی و در سال 1918 نماینده سیاسی مقیم خلیج فارس بود. او که مدتی مشاور سیاسی سر پرسی سایکس نیز بود، در سال 1921 پس از استعفا از خدمت به انگلستان بازگشت و به نویسندگی اشتغال یافت. ویلسون در سال 1930 در تأسیس نمایشگاه بین‌المللی صنایع ایران در لندن شرکت جست و به ریاست آن انتخاب شد. وی در 1933 نماینده پارلمان شد و در 1939 داوطلبانه به نیروی هوایی پیوست و سرانجام در سال 1940 در حمله توپخانه آلمان به هواپیمایی که خلبانی آن را به عهده داشت، کشته شد.³² آرنولد تالبوت ویلسون علاوه بر فارسی، به زبان‌های آلمانی، فرانسه، اسپانیولی، عربی و سه زبان هندی مسلط بود و کتب متعددی در باب تاریخ و جغرافیای ایران نگاشت و دهها مقاله تحقیقی نیز از جمله در مورد ایران به قلم او انتشار یافته است. از مهم‌ترین فعالیت‌های ویلسون در شناخت و شناسایی ایران، سفر وی به نقاط ناشناخته لرستان و فارس و کشفیات او در باب آثار تاریخی این نقاط و انتشار آنها در کتاب‌هایی است که در این زمینه منتشر کرده است.³³

اف هیل، اف، نامه‌هایی از قهستا، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان شناسی از دیگر مقامات انگلیسی بود که جمعاً پنج سال و نیم در ایران اقامت داشت. وی سال‌های 1913 تا 1917 ریاست بانک شاهی ایران را در بیرجند به عهده داشت و یک سال و نیم از 1917 تا 1919 در کرمانشاه در بانک شاهی آن شهر خدمت کرد.³⁴ حاصل اقامت هیل، اف، نامه‌هایی از قهستا، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان شناسی در ایران، کتابی است حاوی نامه‌هایی مشتمل بر اطلاعات دقیق جغرافیایی بویژه از صفحات شرق ایران که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

ب: نظامیان

از میان دیپلمات‌هایی که از آنان یاد شد، برخی نظامی نیز بودند. ملکم، برادران اوزلی، واتسون، راولینسون، بیت، شیندلر، کرزن، سایکس، سوان و ویلسون علاوه بر سمت‌ها و مسئولیت‌های سیاسی، درجات و مأموریت‌های نظامی نیز داشتند. در اینجا به یادکرد از دیگر انگلیسیانی می‌پردازیم که مشخصاً نظامی بودند و در سفرها و مأموریت‌های خود در ایران به مطالعه و تحقیق در عرصه‌های مختلف ایران‌شناسی پرداختند و بعضاً آثار ماندگار و ارزشمندی در این عرصه‌ها از خود به یادگار نهادند.

سروان جان مک دونالد کینیر از افسران ایران‌شناس انگلیسی بود که به اثر برجسته او در جغرافیای ایران که در سال 1813 انتشار یافت، اشاره خواهد شد.

ستوان آکس بارنز عضو انجمن سلطنتی بریتانیا و مأمور کمپانی هند شرقی از جمله دیگر افسران انگلیسی بود که در دوران فتحعلی‌شاه مدتی در ایران به سر برد و حاصل سفر خود را به مشرق‌زمین که از 1831 تا 1833 به طول انجامید و بخشی از آن به ایران اختصاص دارد، در سفرنامه‌ای تفصیلی در سه جلد به رشته تحریر درآورد.³⁵

سرهنگ جان جانسون از دیگر نظامیان انگلیسی اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم بود که در سفرنامه مصور خود از هند به انگلستان بخشی را به توصیف ایران و برخی ملاحظات جغرافیایی در این خصوص اختصاص داد.³⁶

سرگرد استون از شمار نظامیانی بود که با هیأت همراه سرگور اوزلی به ایران آمد و تحقیقات و کاوش‌های ارزنده او بویژه کشف غار شاپور در بازشناسی تاریخ ایران باستان نقش مؤثری داشت.

هرمن بیکنل (1830-1875) شرق‌شناس انگلیسی که پس از تحصیل پزشکی به ارتش پیوست، اما پس از چندی استعفا داد و به مسافرت و مطالعه پرداخت. بیکنل به حافظ بسیار علاقه‌مند بود و گزیده‌ای از اشعار او را به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد.³⁷

کلنل مک گرگور از دیگر افسران انگلیسی بود که در سال 1875 به ایران سفر کرد و سفرنامه او که بعداً به آن اشاره خواهد شد، از مهم‌ترین منابع در باب جغرافیای شرق ایران است.

ج: مسافران و سیاحان

علاوه بر دیپلمات‌ها و نظامیان ایران‌شناس و فارسی‌دانی که از آنان یاد شد، انگلیسی‌های دیگری نیز بودند که حاصل سفرها و اقامت‌گاه طولانی آنان در ایران علاوه بر شناختی جامع در قلمرو ایران‌شناسی، تحقیقات و کشفیات و آثاری بود که به شناخت و شناسایی فرهنگ و تمدن و تاریخ و جغرافیای ایران و زبان و ادب فارسی در جهان مدد رساند و در تعاملات و مناسبات فرهنگی ایران و انگلستان نقش پیش‌برنده‌ای داشت. در اینجا از برخی از شاخص‌ترین آنان و نقش هر یک در شناخت و معرفی بیش از پیش ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی و جایگاه آنان در تعاملات و روابط فرهنگی ایران و انگلستان یاد خواهیم کرد و در مبحث بعدی به آثار و دستاوردهای مطالعات و تحقیقات آنان در عرصه گسترده ایران‌شناسی و ترویج زبان و ادب فارسی خواهیم پرداخت.

ادوارد گرانویل براون (1862-1926) همزمان با تحصیل پزشکی در دانشگاه کمبریج به آموختن زبان‌های شرقی در این دانشگاه پرداخت. براون در سال 1887 به ایران سفر کرد و یک سال در میان ایرانیان بود. وی علاوه بر فارسی‌زبان‌های عربی، ترکی، هندی، آلمانی و فرانسه را می‌دانست و از استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی و عربی در دانشگاه کمبریج بود. ادوارد براون ریاست و راهنمایی انجمن اوقاف گیب را نیز که به تصحیح و ترجمه و نشر آثار ادبی فارسی و دیگر زبان‌های شرقی می‌پرداخت، به عهده گرفت.

براون ایران‌شناسی ایران‌دوست بود و اولیای دانشگاه کمبریج را واداشت که برای نخستین بار معاونان یا دستیارانی ایرانی، عرب و ترک را به منظور آموزش و ارتقاء این زبان‌ها استخدام کند که بر این مبنا وحیدالملک شیبانی برای کمک به تدریس زبان فارسی انتخاب و استخدام شد. ادوارد براون خود نزد میرزا محمدباقر بواناتی به تکمیل آموزش شعر و ادب و عرفان پرداخت. براون هزاران بیت شعر فارسی را از حفظ داشت و اشعار فارسی را در گفتار خویش با وزن و آهنگ آن به کار می‌برد.

عشق و اشتیاق ادوارد براون به فرهنگ و آداب و رسوم ایران حد و حصری نمی‌شناخت. او مهر و ساعت خود را با عقیق و فیروزه ایرانی و باغ مسکونی یا کاجستان خویش را با قالی و قلیان و رومیزی‌ها و مینیاتورها و کاشی‌های ایرانی مزین ساخته بود. براون، اشعار عرفای ایران از جمله حافظ و مولوی را به آواز می‌خواند و به گونه‌ای منقلب می‌شد که اشک از چشمانش فرو می‌ریخت. پیرزاده از پیشوایان طریقت، او را به مظهر علی ملقب ساخت.

براون در جریان انقلاب مشروطه ایران با تنی چند از آزادیخواهان ایرانی و روشنفکران انگلیسی، انجمن یا کمیته ایران را برای کمک به انقلابیون مشروطه‌خواه ایرانی تأسیس کرد و کتاب انقلاب ایران او در باب مشروطه در میان انبوه منابع در این زمینه از معتبرترین و قدیمی‌ترین آنهاست؛ همچنانکه دیگر آثار براون از جمله تاریخ ادبی ایران در شمار منابع مرجع و از نخستین آثار معتبر در نوع خود محسوب می‌شود.

براون با ترجمه برخی از آثار ارزشمند فارسی به انگلیسی و تصحیح و انتشار برخی دیگر از متون ادبی فارسی و نوشتن دهها کتاب و رساله و مقدمه‌نویسی بر کتاب‌های متعدد و نیز با تربیت شاگردان ایران‌دوست و شاخصی چون رینولد نیکولسون و ستوری و دعوت از ایرانیانی چون کاظم‌زاده ایرانشهر برای تدریس در دانشگاه کمبریج، در معرفی و شناساندن زبان و ادب فارسی و فرهنگ و مفاخر ایرانی در جهان و بویژه بسط و گسترش روابط فرهنگی ایران و انگلستان نقش بی‌بدیلی داشت.³⁸

والنتین ویلیامز جکسون (1862-1927) از دیگر سیاحان و سفرنامه‌نویسان انگلیسی بود که حاصل چندین سفر وی به ایران از 1903 تا 1926 اطلاعات دقیقی از تاریخ و جغرافیا و سنگ‌نوشته‌های ایران و نیز عکس‌هایی از مناظر تاریخی شهرها و اماکن غرب کشور است.³⁹

هنری مارتین (1781-1812) در سال 1811 در عصر فتحعلی‌شاه به ایران آمد و حدود یک سال در شیراز اقامت گزید. مارتین از مترجمان انجیل به فارسی بود.⁴⁰

دوایت دونالدسن از دیگر مسافران انگلیسی در ایران بود که شانزده سال در اواخر عصر قاجار همراه با همسرش در ایران و بیشتر در مشهد سکونت داشت و آثار متعددی درباره ایران و تشیع نوشت.⁴¹

سر ادوارد دنیسون راس (1871-1940) از خاورشناسان و زبان‌شناسان نامدار انگلیسی بود که در دانشگاه‌های لندن، پاریس، استراسبورگ و پتروگراد تحصیل کرد و زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، تبتی، سانسکریت، اردو، آلمانی، فرانسه و ایتالیایی را فراگرفت. راس به استادی دانشگاه لندن، ریاست مدرسه کلکته، ریاست اداره ضبط اسناد اداری هند، معاونت وزارت فرهنگ هند، ریاست انجمن آسیایی و ریاست دانشکده شرقی و آفریقایی رسید. دنیسون راس مجله مطالعات شرقی را بنیان نهاد و در گسترش روابط فرهنگی انگلستان با مشرق زمین از جمله ایران نقش بسزایی داشت. وی تدریس زبان فارسی در دانشکده مزبور را خود به عهده گرفت و در تشویق آموزش زبان فارسی و ترویج آن نقش مؤثری ایفا کرد. راس به ایران سفر کرد و به دیدار استادان زبان فارسی شتافت. وی در سفرهایش همواره قرآن را به همراه داشت و مطالعه می‌کرد. راس آثار متعددی در باب زبان و ادب فارسی نوشت و به نشر میراث فارسی و ایرانی در انگلستان همت گماشت. به برخی از آثار وی در جای خود اشاره خواهد شد. سردنیسون راس احترام و شخصیت والایی برای ایرانیان قائل بود و همواره از ایران و ایرانی به نیکی یاد می‌کرد.⁴²

فردریک چارلز ریچاردز (1878-1932) از انگلیسیان هنرمند و هنرشناسی بود که مدتی در ایران به سر برد و سفرنامه او که بعداً از آن یاد خواهد شد، علاوه بر

اطلاعات ارزشمندی از وضعیت اجتماعی ایران حاوی نقاشی‌هایی از مناظر ایران است. برخی نقاشی‌های ریچاردز از مناظر ایران در موزه‌های انگلستان نگهداری می‌شود.⁴³

الاکونستانس سایکس (1939-) (خواهر سرپرسی سایکس و از مشتاقان دیدار از مشرق زمین که در سال 1894 سفر خود را آغاز کرد و به برادرش که رئیس پلیس جنوب ایران بود، ملحق شد. خانم سایکس در سفرنامه‌های خود از جمله سفرنامه‌ای که از مسافرت خود به ایران نگاشت، اطلاعات گسترده‌ای در باب تاریخ، جغرافیا، آداب و رسوم، اخلاقیات، فرهنگ و تمدن ایران و ایرانی به رشته تحریر درآورد.⁴⁴

سرمارک اورل شتاین (1862-1943) از باستان‌شناسان مجاری‌الاصل انگلیسی بود که در بوداپست به دنیا آمد. وی در دانشگاه توینگن آلمان به تحصیل پرداخت، در سال 1889 به قصد سفر به هند به لندن رفت و پس از مدتی اقامت و مطالعه در آنجا سفر طولانی و پر فراز و نشیب خود را به هند و دیگر سرزمین‌های شرقی از جمله ایران آغاز کرد و سرانجام در کابل درگذشت. شتاین در تحقیقات پردامنه خود در ایران و سرزمین‌های مجاور آن به کشفیات بسیاری در باب تاریخ ایران باستان و تمدن‌های کهن نائل شد.⁴⁵

مارگارت لوئیان گرتروود بل (1868-1926) ایران‌شناس ایران‌دوست انگلیسی که در دانشگاه آکسفورد تحصیل کرد و علاوه بر فارسی به عربی، آلمانی و فرانسه نیز مسلط بود. گرتروود بل، پنج سال در ایران اقامت گزید و نزد معلمی روحانی به نام شیخ حسن به فراگیری زبان و ادب فارسی پرداخت. بل از مترجمان اشعار حافظ

به انگلیسی بود و پس از سفرهای علمی و تحقیقاتی طولانی به اقصی نقاط جهان که با عشق و اشتیاق و مطالعات و کشفیات ارزشمند همراه بود، سرانجام در بغداد درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.⁴⁶

اوستن هنری لایارد (1817-1894) از باستان‌شناسان برجسته انگلیسی که فارسی آموخت و مدتها در ایران به سر برد و علاوه بر کاوش‌ها و کشفیاتی که انجام داد، کتابها و مقالاتی در باب ایران نوشت و به معرفی بخشی از تاریخ ایران باستان پرداخت.⁴⁷

گای لوسترانج (1845-1933) خاورشناس نامدار انگلیسی که علاوه بر فارسی، زبان‌های عربی و اسپانیولی نیز می‌دانست. لوسترانج در سال‌های 1877 تا 1880 در ایران اقامت داشت و علاوه بر آشنایی با ایران‌شناسان انگلیسی و فرانسوی برجسته‌ای چون ادوارد براون و ژول مول، با بسیاری از استادان ایرانی و دیگر ایرانیان آشنا شد. وی به ترجمه و انتشار برخی داستان‌ها، نمایشنامه‌ها و دیگر نوشته‌های فارسی به انگلیسی پرداخت و همچنین بعضی از آثار جغرافیایی فارسی را تصحیح و منتشر کرد. لوسترانج که در اواخر عمر بر اثر مطالعات زیاد نابینا شد، کتابی نیز در زمینه فراگیری فارسی برای انگلیسی‌زبانان نوشت.⁴⁸

د: دیگر استادان و پژوهشگران

سرانجام در چهارمین مقوله از بخش اول این گزارش، در باب نقش انگلیسیان در تعاملات و مناسبات فرهنگی ایران و انگلیس، به بررسی نقش و جایگاه دیگر استادان و پژوهشگران ایران‌شناس و ایران‌دوستی می‌پردازیم که نه در مقام دیپلمات یا

نظامی مقیم ایران و یا ایرانگرد و مسافران ایران بلکه در خود انگلستان و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی آن کشور به مطالعه، تحقیق و تألیف آثاری در باب تاریخ و جغرافیا و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی پرداختند یا به ترجمه و تصحیح و انتشار آثار ایرانی و نوشته‌های فارسی دست زدند و از این طریق در شناسایی و معرفی این آثار و بسط مناسبات فرهنگی دو کشور کوشیدند.

متیو آرنولد (1822-1888) از ایران‌شناسان ایران‌دوست انگلیسی که به ویژه به اشعار حماسی فارسی عشق می‌ورزید و منظومه انگلیسی سهراب و رستم او در شمار آثار درخشان ادبیات انگلیسی محسوب می‌شود.⁴⁹

ادوین آرنولد (1832-1904) دیگر ایران‌شناس فارسی‌دان انگلیسی که در لندن و آکسفورد تحصیل کرد و در بیرمنگام به تدریس پرداخت. آرنولد سالها در هند به سر برد و ریاست دانشکده‌ای را در آن کشور به عهده داشت. ادوین آرنولد به ویژه به سعدی توجه داشت و آثاری را از وی به انگلیسی ترجمه کرد.⁵⁰

سر توماس واکر آرنولد (1864-1930) که در دانشگاه کمبریج تحصیل کرد و علاوه بر فارسی، به زبان‌های سانسکریت، عربی، آلمانی، فرانسه و ایتالیایی مسلط بود. توماس آرنولد در دانشگاه‌های لندن، علی‌گره و لاهور به تدریس پرداخت و مدتها ریاست دانشکده شرقی دانشگاه پنجاب را به عهده داشت. آرنولد به ویژه در شناساندن هنرهای ایرانی از جمله نقاشی، خوشنویسی، تذهیب، صحافی و معرفی هنرمندان ایران به جهان نقش وافر و مبذول داشت.⁵¹

سر ویلیام جونز (1746-1794) از دانشمندان جامع‌الاطراف انگلیسی که به دانش‌های ایران‌شناسی، هندشناسی، زبان‌شناسی، ادبیات و حقوق احاطه داشت و به زبان‌های فارسی، عربی، سانسکریت، چینی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیولی، پرتغالی، یونانی و لاتین تسلط یافت.⁵² ویلیام جونز که خود شاعر بود و به چندین زبان شعر می‌سرود، نخستین بار اشعاری از حافظ و مولوی و نظامی و فردوسی را به انگلیسی، فرانسه و لاتین برگرداند. جونز کتاب‌هایی نیز در باب تاریخ و ادبیات ایران و دستور زبان فارسی نگاشت و آثاری را در همین زمینه‌ها به انگلیسی و دیگر زبان‌های اروپایی ترجمه کرد و منتشر ساخت.⁵³ ویلیام جونز پس از تأسیس انجمن آسیایی بنگال در سال 1784، ریاست این انجمن را به عهده داشت. انجمن آسیایی بنگال به جمع‌آوری کتب چاپی و خطی بسیاری از جمله به زبان فارسی اقدام کرد و حاصل تحقیقات و پژوهش‌های خود را در مجله‌ای به همین نام انتشار می‌داد.⁵⁴ ویلیام جونز نخستین انگلیسی بود که در نوشته‌های خود از اشعار و جملات فارسی استفاده می‌کرد.⁵⁵

جرج راولینسون (1812-1902) برادر کوچکتر هانری راولینسون که از دانشگاه آکسفورد فارغ‌التحصیل شد و در همان دانشگاه به تدریس پرداخت.⁵⁶ جرج راولینسون تألیفات بسیاری در باب تاریخ ایران و دیگر سرزمین‌های شرقی دارد که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد.

ادوارد فیتز جرالد (1809-1883) شاعر و ادیب نامدار انگلیسی که به ویژه به دلیل ترجمه رباعیات خیام شهرتی جهانی یافت. فیتز جرالد در دانشگاه کمبریج تحصیل کرد و نزد چند تن از خاورشناسان برجسته انگلیسی، زبان فارسی آموخت و با ادبیات ایران آشنا شد. با آنکه فیتز جرالد اشعاری نیز از جامی و نمایشنامه‌هایی از

اسپانیولی به انگلیسی ترجمه کرد، به دلیل مشابهت روحی و فلسفی با خیام و انتقال مفاهیم و مضامین اصلی شعر او به انگلیسی، بیشتر عنوان مترجم رباعیات خیام مشهور است و این در حالی است که شاعران و ادیبان انگلیسی دیگر نیز به ترجمه اشعار خیام دست زده‌اند.⁵⁷ گسترش و رونق ادب فارسی در انگلستان تا حد زیادی مرهون توجه فیتز جرالد به خیام است. ادوارد فیتز جرالد محفلی ادبی با نام باشگاه خیام دایر کرد که به صورت مرکزی برای بررسی و توجه به ادبیات فارسی و فلسفه خیام درآمد.⁵⁸

پرسی گاردنر (1846-1937) از باستان‌شناسان انگلیسی که فارغ‌التحصیل و استاد دانشگاه کمبریج بود و در باب تاریخ و تمدن ایران نیز آثاری از او به جای مانده است.⁵⁹

الیاس جان ویلکینسون گیب (1875-1901) خاورشناس نامور انگلیسی و فارغ‌التحصیل انشگاه گلاسکو که در زبان و ادب فارسی، عربی و ترکی تخصص یافت و به گردآوری و تدوین و انتشار شعر و ادب این زبان‌ها در انگلستان پرداخت. مؤسسه یا انجمن اوقاف گیب که با انتشار نسخ خطی به زبان‌های مذکور در شناسایی و ترویج ادبیات و فرهنگ مشرق زمین و توسعه شرق‌شناسی در انگلستان نقش مهمی ایفا کرده است، پس از زندگی کوتاه الیاس گیب به یاد او توسط مادرش در لندن تأسیس شد.⁶⁰

اف آر مارتین از دیگر خاورشناسان انگلیسی در قرن نوزدهم که به ویژه به مینیاتورهای ایران و دیگر سرزمین‌های مشرق زمین علاقه و توجه خاصی داشت و کتابی در این زمینه نوشت.⁶¹

رینولد الین نیکولسون (1868-1945) از نامدارترین خاورشناسان انگلیسی

که در دانشگاه‌های ابردین، کمبریج، استراسبورگ، لندن و لیدن به تحصیل و تحقیق پرداخت و به زبان‌های عربی و فارسی تسلط یافت. نیکولسون با خاورشناسان دیگری چون نولدکه و براون مأنوس بود و شور و عشق بسیاری به ادبیات فارسی و عربی داشت. رینولد نیکولسون بیش از سی کتاب نوشت که مشهورترین آنها تصحیح و ترجمه و تفسیر مثنوی مولوی در هشت جلد است. نیکولسون در باب بسیاری از شعرا و عرفای ایران و آثار آنان تحقیقات مبسوطی انجام داد و فضل تقدم و تقدم فضل آنها را بر همگان غربی آنان نمایاند. به آثار ارزشمند پروفیسور نیکولسون در جای خود اشاره خواهد شد. نیکولسون به تربیت شاگردان مبرزی چون آربری و ستوری همت گماشت که هر یک به نوبه خود از خاورشناسان برجسته و معرفان و مروجان زبان و ادب فارسی در جهان بودند. فرهنگستان ایران پس از مرگ نیکولسون به تجلیل از او پرداخت و بدیع‌الزمان فروزانفر قطعه شعر بلندی در رثای او سرود.⁶²

ادوارد ویلیام وست (1724-1905) از دیگر خاورشناسان انگلیسی که علاوه

بر فارسی، به زبان‌های اردو، سانسکریت و هندی نیز مسلط بود و آثار متعددی در باب زبان‌ها و مواریث ایران باستان نگاشت. وست زبان‌های ایران قدیم همچون پهلوی را نیز می‌دانست و آثاری از این زبان‌ها را به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد.⁶³

ادوارد ویلسون (1848-) (خاورشناس و فارسی‌دان انگلیسی که در

دانشگاه کمبریج به تحصیل پرداخت و در همان دانشگاه و دانشگاه لندن به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. ویلسون بسیاری از آثار ادبی فارسی از جمله اشعار

مولوی، نظامی و جامی را به انگلیسی ترجمه کرد و چند فرهنگ فارسی به انگلیسی نگاشت.⁶⁴

ای اچ وینفیلد از دیگر شرق‌شناسان انگلیسی در قرن نوزدهم که از جوانی با زبان و ادب فارسی آشنا شد و به ترجمه اشعاری از مولوی، جامی، خیام و شیخ محمود شبستری پرداخت.⁶⁵

تلاش‌های فرهنگی انگلیسیان و آثار آنان در عرصه مناسبات ایران و انگلستان در عصر قاجار

آثار انگلیسی‌ها اعم از دیپلمات‌ها، نظامیان، مسافران و دیگر پژوهشگران و ایران‌شناسان انگلیسی عصر قاجار را درباره ایران به چند دسته می‌توان تقسیم کرد. ترجمه و نشر اشعار و آثار شعرا و ادبای ایران، تحقیق در باب ادبیات و فرهنگ و هنر ایران و شعرا و ادبا و هنرمندان ایرانی و تصحیح و نقد و معرفی و انتشار آثار آنان، تدوین فرهنگ‌های مختلف و تحقیق و تألیف آثاری در باب دستور زبان فارسی و زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، مطالعه و شناسایی برخی آثار باستانی و کتیبه‌ها و خطوط ناشناخته یا کمتر شناخته شده و ترجمه و معرفی آنها، پژوهش‌های گوناگون در باب ادوار مختلف تاریخ ایران به ویژه ایران روزگار خود - عصر قاجار - و جغرافیای ایران از روزگاران گذشته تا قرن نوزدهم که این دو حوزه به ویژه از طریق مشاهدات دقیق و مطالعات میدانی و حضور گاه طولانی در ایران و سفر به نقاط مختلف این سرزمین در قالب کتاب‌ها و آثاری از جمله سفرنامه‌ها و خاطره‌نویسی‌ها تدوین و انتشار یافته است.

چنانکه اشاره شد، بخش عمده‌ای از آثار ایران‌شناسان و ایران‌دوستان انگلیسی اعم از دیپلمات‌ها، نظامیان، ایرانگردان و استادان و پژوهشگران در عصر قاجار به عرصه شعر و ادب ایران و گسترش روابط فرهنگی و ادبی دو کشور در این قلمرو مربوط می‌شد. انگلیسی‌ها نه تنها با ترجمه و انتشار آثار ادبی ایران به انگلیسی و بعضاً به زبان‌های دیگر در معرفی این آثار در مغرب زمین نقش چشمگیری داشتند، بلکه با تحقیقات و تتبعات گسترده و متنوع علمی خویش در این زمینه به شناخت بیش از پیش این آثار در نزد خود ایرانیان و پیشبرد جایگاه و موقعیت زبان و ادب فارسی یاری رساندند. ایران-شناسان و فارسی‌دانان انگلیسی در قرن نوزدهم در دنباله پژوهش‌های پیشین خود در باب ادبای ایران و ترجمه اشعار و آثار ایران، به ترجمه و نشر متوالی و مکرر آثار بسیاری از شاعران و ادیبان ایران پرداختند و به ویژه آثار ادبی نامدار ایران بارها و بارها از سوی آنان ترجمه و نشر شد و در میان انگلیسی‌زبان‌ها شهرت و اعتبار بسیاری یافت و زبان و ادب انگلیسی را متأثر ساخت.

در عصر قاجار در فاصله سال‌های 1770 تا 1920 انگلیسی‌هایی چون فرانسیس گلاوین (1780)، جیمس دیومولین (1807)، جیمس راس (1823)، فوربز فالکونر (1839)، ادوارد ایستویک (1850)، فرانسیس جانسون (1863)، نیسان لیس (1871)، سرادوین آلدوین (1888)، جی تی پلاس (1889) و سر آرتور ولاستون (1906) هر یک به ترجمه و انتشار تمام یا بخش‌هایی از آثار سعدی از جمله گلستان و بوستان به انگلیسی پرداختند. تاریخ‌ها به سال انتشار آثار آنان در انگلستان در زمینه-های مورد اشاره مربوط می‌شود.

در همین دوره انگلیسی‌های دیگری چون جان ریچاردسون (1774)، تاماس لا (1785)، جان نات (1787)، جان هدون هیندلی (1800)، هرمن بیکنل (1875)، ادوارد هنری پالم (1877)، جوستین هانتلی مکاریتی (1893)، مارگارت لوئیان گرتروود بل (1897)، والتریف (1898)، ریچارد لوگالی ین (1905)، گران مرینگ (1910)، جان پین (1916) و سر ویلیام جونز دیوان حافظ یا اشعاری را از او به انگلیسی ترجمه و منتشر کردند. برخی از اینان کار خود را با تصحیح دیوان حافظ یا معرفی و پژوهشی در باب احوال و اشعار وی همراه کردند و کسانی چون سر ادوارد دینسون راس، بر اشعار حافظ مقدمه نوشتند.

فردوسی نیز در این دوران بسیار مورد توجه انگلیسی‌های فارسی‌دان و ایران-دوست قرار گرفت. جیمز اتکینسون (1820)، رابینسون (1823)، جوزف چمپیون (1875)، ادوارد هنری پالم، ماثیو لمسدن، تریزمیکن، سرجان ملکم، سر ویلیام جونز و متیو آرنولد به ترجمه شاهنامه به انگلیسی یا تحقیق در باب این اثر و معرفی آن پرداختند. آرنولد در این میان به ترجمه منظوم سهراب و رستم دست زد و جونز اشعاری از شاهنامه را به لاتین ترجمه کرد. ملکم نیز به یافتن هویت واقعی افراد شاهنامه و مقایسه آن با ادیسه هومر پرداخت.

نام خیام در ایران و خارج از ایران بیش از هر کس با نام ادوارد فیتز جرالد، ادیب و شاعر انگلیسی در قرن نوزدهم همراه است که پیش از این از او یاد شد. ترجمه فیتز جرالد از رباعیات خیام معروف‌ترین ترجمه اشعار خیام در انگلیسی و در همه زبان‌هاست. در عین حال انگلیسی‌های دیگری در دوره مورد نظر به ترجمه رباعیات

خیام یا تحقیق در احوال و آثار او دست زدند. ادوارد فیتز جرال (1859)، ای اچ وینفیلد (1884)، ریچارد گوه لی ین و سر ادوارد دنیسون راس، از شمار انگلیسی‌های مترجم یا معرف اشعار خیام بودند. در این میان، راس در دیباچه‌ای بر رباعیات خیام به معرفی او پرداخت.

در باب مولوی هم شاید بتوان گفت سهم ایران‌شناسان ایران‌دوست و فارسی‌دان انگلیسی بیش از دیگران است و از این میان رینولد نیکولسون نامدارترین آنان است که نام او نیز دست کم در میان غیر ایرانیان بیش از هر کس با نام مولوی آمیخته است. نیکولسون دیوان شمس تبریزی را به عنوان پایان‌نامه دکتری خود تصحیح و منتخب غزلیات دیوان شمس را همراه متن فارسی در سال 1898 انتشار داد، اما کار نامدارتر او ترجمه و شرح مثنوی معنوی در هشت جلد بود که تألیف آن پانزده سال از 1925 تا 1940 به طول انجامید. گذشته از رینولد نیکولسون، انگلیسی‌های دیگری از جمله سر ویلیام جونز، ادوارد ویلسون و ای اچ وینفیلد در دوره زمانی مورد بررسی به ترجمه یا تصحیح و تحقیق در باب مولوی و آثار او و انتشار آنها پرداختند. در این دوره کسانی چون جیمس اتکینسون (1836 و 1844)، کلنل ویلبر فورس کلارک (1881)، سر ویلیام جونز، ادوارد ویلسون، رابینسون و بلاند از میان ایران‌شناسان ادیب و فارسی‌دان انگلیسی به ترجمه یا تصحیح و انتشار آثار نظامی پرداختند و خمسه یا برخی از منظومه‌های آن و مشخصاً لیلی و مجنون، هفت پیکر، مخزن‌الاسرار و اسکندرنامه را گاه با حواشی و توضیحات منتشر ساختند.

جامی از دیگر شاعران ایران بود که به همت تنی چند از انگلیسی‌های ایران‌شناس و ایران‌دوست قرن نوزدهم در انگلستان و مغرب زمین معرفی شد. اوارد فیتز

جرالد (1871)، سی ای ویلسون (1883) و ای اچ وینفیلد از جمله کسانی بودند که به ترجمه و انتشار برخی آثار جامی از جمله سلامان و ابسال و بهارستان همت گماشتند.

ترجمه اشعار برخی دیگر از شاعران ایران نیز در همین دوران وجهه همت تنی چند از فارسی دانان و ادبای انگلیسی قرار گرفت که از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: ترجمه اشعاری از انوری (ادوارد هانری پالمر)، ترجمه اشعاری از امیرخسرو دهلوی (جان هدون هیندلی)، ترجمه اشعار باباطاهر (ای سی برنتون، 1902)، ترجمه منظوم خلاصه منطق الطیر عطار با عنوان کنکاشستان پرندگان (ادوارد فیتز جرالد) و ترجمه گلشن شیخ محمود شبستری (ای اچ وینفیلد).

برخی ایران‌شناسان دیگر انگلیسی در همین دوره به ترجمه بعضی آثار ادبی مشهور فارسی پرداختند که از جمله می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد:

لویج جامی (ای اچ فیلد)، جهان‌آرای غفاری، مسالک و ممالک و بختیارنامه (ویلیام اوزلی)، تصوف شرقی یا مقصد اقصی عزیز نسفی (ادوارد هنری پالمر)، چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی و تاریخ جدید باب میرزا حسین اصفهانی (ادوارد براون، 1893)، کشف‌المحجوب هجویری (ادوارد براون و نیکلسون)، تاریخ رشیدی (سر ادوارد دنیسون راس)، روضه‌الصفاء در پنج جلد (ادوارد رهاتسک)، تاریخ نادرشاه استرآبادی (جونز، 1773).

تصحیح بعضی از متون فارسی از جمله موارد ذیل نیز عرصه پژوهش بعضی دیگر از پژوهندگان ایران‌شناس انگلیسی قرار گرفت: تذکره‌الشعراى دولتشاه سمرقندی،

تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و نقطه الکاف میرزا جانی کاشی (ادوارد براون، 1893)، لباب‌الالباب عوفی سمرقندی (براون، 1906)، فارسنامه ابن بلخی (نیکولسون با همکاری گای لوسترانج، 1921)، تذکره‌الاولیا (در دو جلد با مقدمه علامه قزوینی، نیکولسون، 1907)، نزهةالقلوب حمدالله مستوفی (لوسترانج).

از دیگر آثار پژوهندگان و ایران‌شناسان انگلیسی در این دوران در قلمرو زبان و ادبیات فارسی و به ویژه تاریخ ادبیات ایران از جمله به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

مجموعه‌ای از داستان‌ها و برگزیده‌ای از اشعار عرب و ترک و فارسی از ویلیام اوزلی، ترجمه و متن برخی قصاید عربی و فارسی (1868 و 1877) و آغانی شیراز حاوی مجموعه‌ای از اشعار شعرای معروف ایران (1876 و 1877) هر دو از ادوارد هانری پالمر، ادبیات ایران (1883) از رایینسون، یک نمونه منظومه سرایی فارسی با شرح و تفصیل تاریخی و گرامری (1774) از جان ریچاردسون، تحقیقاتی درباره اشعار اسلامی (آغاز رواج ادبیات فارسی) و تاریخ ادبیات ایران (1907) هر دو از رینولد نیکولسون و نامورتر از همه آثار ادوارد گرانویل براون که برخی به فارسی نیز ترجمه و انتشار یافته است و از آن میان می‌توان به کتاب‌های تاریخ ادبیات ایران (چهار جلد، 1902، 1906، 1924 و 1926)⁶⁶، مطبوعات و منظومه‌سرایی جدید ایران (1914)⁶⁷ و گلچین ادب فارسی (گلچینی از اشعار فارسی با مقدمه و توضیحات، 1921) اشاره کرد.

زبان‌ها و متون و خطوط کهن ایرانی، دستور زبان فارسی، فرهنگ‌ها یا لغت-نامه‌ها و فارسی‌آموزی از دیگر عرصه‌های تحقیق و پژوهش شماری از ایران‌شناسان و

فارسی‌دانان عصر قاجار بود. از جمله آثاری که در این عرصه‌ها انتشار یافت، از موارد زیر می‌توان یاد کرد:

واژه‌نامه جیبی انگلیسی فارسی (1850) از ویلیام تورن هیل، اف، نامه‌هایی از قهستا، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان شناسی بارکر، دستور مختصر زبان فارسی (1857) از اچ بلیک، واژه‌نامه انگلیسی فارسی (1860)، فرهنگ فارسی (1876)، فرهنگ انگلیسی فارسی (1883)، صرف و نحو مختصر هندوستانی فارسی عربی و قاموس‌المزدوج یا فرهنگ دوزبانه فارسی انگلیسی و انگلیسی فارسی همه از ادوارد هانری پالمر، دستور زبان فارسی و نامه‌هایی درباره چگونگی کتاب زند (1803) از سر ویلیام جونز، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی (1824) از تی روباک، دستور فارسی نو (1898) از فریتز روزن، فرهنگ فارسی عربی انگلیسی (1774)، گرامر زبان فارسی با یک فهرست (1797) و فرهنگ جامع فارسی انگلیسی (1829) همگی از جان ریچاردسون، دستور زبان فارسی (1800) از فرانسیس گلادوین، کتاب برای یادگرفتن فارسی برای مسافران از گای لوسترانج، ترجمه ارداویرافنامک با همکاری هوشنگ جی و مارتین هوگ (1871)، ترجمه مینو خرد، پازند، سانسکریت (1871)، ترجمه متون پهلوی (پنج جلد، 1880 تا 1897)، ترجمه شکند گمانیک و یجار با همکاری هوشنگ جی (1887) و یک شرح مفصل با ارزش ادبیات پهلوی، همگی از ادوارد ویلیام وست.

برخی آثار دیگر انگلیسیان در همین دوران در خصوص سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها، مسکوکات و دیگر مظاهر تاریخ و تمدن ایران از این قرار است: ترجمه و متن کتیبه میخی فارسی بیستون (1851-1846) از هانری کروزیوک راولینسون، کتیبه‌هایی

به خط میخی (1851) از اوستن هنری لایارد، مسکوکات اشکانی (1874) از پرسی گاردنر و سکه‌های شاهان ایران (1887) از استانلی پول.

در باب هنر و هنرمندان ایران نیز نویسندگان و پژوهشگران انگلیسی چندی در عصر قاجار به تحقیق و تألیف پرداختند و آثاری در شناسایی و معرفی هنرهای ایرانی از جمله موارد ذیل از خود به یادگار نهادند:

سبک مینیاتور در ایران (1912)، صنایع دوره ساسانی و نقاشی‌های مانی (1922)، بهزاد و نقاشی‌های او در دستنویس ظفرنامه، دستنویس‌های رضا عباسی، نقاشی و تذهیب و خوشنویسی و صحافی و خطاطان مشهور اسلامی خصوصاً ایرانی همگی از سر توماس آرنولد، مجموعه‌ای از نوشته‌های فارسی (نخستین راهنمای خط و خطاطان ایران در انگلستان) از ویلیام اوزلی، مینیاتورهای ایرانی و هندی و ترکی (با همکاری سر توماس آرنولد در دو جلد، 1912) از اف آرماتین، مقاله در باب تعزیه-خوانی از متیو آرنولد.

پژوهشگران و ایران‌شناسان انگلیسی عصر قاجار شامل هر چهار دسته انگلیسی‌های مورد اشاره - دیپلمات‌ها، نظامیان، سیاحان و دیگر نویسندگان و نگارندگان انگلیسی در عرصه تاریخ پژوهشی و تاریخ‌نگاری - آثار متعدد و متنوعی در باب تاریخ ایران از گذشته تا عصر قاجار و نیز تاریخ ایران در دوران قاجار از خود به یادگار نهادند که بسیاری از آنها حاصل مشاهدات و تحقیقات و نگاشته‌های حضوری و میدانی و بعضاً از منابع و مآخذ معتبر تاریخ ایران در صد و پنجاه ساله سلطنت قاجارها بر ایران است. برخی از این آثار به زبان‌های دیگر از جمله فارسی ترجمه شده و در

جای خود مورد استفاده و استناد تاریخ‌پژوهان و نویسندگان ایرانی عصر قاجار و پس از آن قرار گرفته است. در ادامه ضمن اشاره به اهم این آثار (و سال انتشار آنها به انگلیسی)، موارد ترجمه و انتشار یافته به فارسی (با نقل مشخصات کتابشناختی آنها در یادداشت‌ها) ذکر خواهد شد.

انقلاب ایران 1909-1905 (1910)⁶⁸، تاریخ زحمات ملت ایران برای تحصیل مشروطیت⁶⁹، خلاصه‌ای از رویدادهای اخیر ایران یا شرح مختصری درباره حوادث اخیر ایران و شرح مسافرت برای روشن کردن واقعه باب (1891) همگی از ادوارد گرانویل براون، آخرین روزهای لطفعلی خان زند⁷⁰، تاریخ پادشاهان قاجار (1834) و تاریخ قدیم و جدید ایران همگی از سر هارفورد جونز، تاریخ پنج سلطنت بزرگ (مطلقه باستانی) مشرق زمین (1867)، ششمین سلطنت مطلقه بزرگ شرقی یا جغرافیا و تاریخ و آثار و رسوم باستانی پارتها و هفتمین سلطنت مطلقه بزرگ شرقی (ساسانیان) یا امپراتوری جدید ایران (1876)⁷¹ همگی از جرج راولینسون، تاریخ ایران (دو جلد شامل 149 فصل)⁷²، تاریخ مختصر ایران⁷³ و تاریخچه کرمان⁷⁴ از پرنال سرپرسی سایکس، نادرشاه افشار (1832)⁷⁵، سوانح ایران (سه جلد، 1830) و یک وصف تاریخی درباره ایران قدیم‌ترین ادوار تا زمان مؤلف (1834) همگی از جیمس بیلی فریزر، ایران و مسأله ایران (1892)⁷⁶ از لرد جرج ناتانیل کرزن، دو سال آخر⁷⁷ از سرجان کمبل، تاریخ ایران⁷⁸ از سرجان ملکم، تاریخ ایران (1866)⁷⁹ و تاریخ قاجار⁸⁰ هر دو از رابرت گرانت واتسون، جنگ انگلیس ایران بر سر هرات (1875)⁸¹ از کاپیتان جرج هنری هنت، خلاصه تاریخ ایران از ویلیام اوزلی، ایران قدیم و جدید (1874) از پیگوت، احوال نادرشاه (1908) از موتیمور دوراند، سر آنتونی شرلی و

سرگذشت او در ایران (1933)، رساله آغاز زندگی شاه اسماعیل اول و تاریخ فخرالدین مبارک‌شاه از سر ادوارد دنیسون راس، تاریخ نخستین پادشاهان ایران (1832) از دیوید شی، بین‌النهرین و ایران در زمان استیلای مغول از گای لوسترانج، تاریخ اتابکان فارسی به انضمام شرح مختصری از رویدادهای سایر نقاط ایران (1848) از ویلیام مورلی، تاریخ ورود مسیحیان یسوعی به ایران و منابع تاریخ ایران، هر دو از سر آرنولد تالبوت ویلسون.

از مهم‌ترین منابع ایران‌شناسی و جغرافیایی ایران در عصر قاجار، سفرنامه‌های اروپاییان به ایران است. انگلیسی‌ها در این مورد نیز در میان دیگر نویسندگان و سفرنامه‌نویسان غربی از جایگاه متمایزی برخوردارند. بسیاری از دیپلمات‌ها و نظامیان انگلیسی در ایران عصر قاجار و نیز دیگر مسافران و سیاحان انگلیسی در این عصر علاوه بر آثار دیگری که بعضاً نگاشتند، سفرنامه‌ها و نیز کتبی در باب جغرافیای ایران نوشتند که مهم‌ترین آنها که برخی از آن میان در روشن شدن گوشه‌هایی از جغرافیای ایران عصر قاجار و نیز شناخت بیش از پیش غربیان از ایران و روابط فرهنگی متقابل ایران و غرب به ویژه ایران و انگلیس نقش درخوری داشت، با ذکر تاریخ انتشار آنها به انگلیسی اشاره خواهیم کرد (مواردی که به فارسی ترجمه و منتشر شده است، با عنوان فارسی و مشخصات کتابشناختی آن در یادداشت خواهد آمد):

سفرنامه بارنز از ستوان آکس بارنز⁸²، ایران، گذشته و اکنون از ابراهام والتین ویلیامز جکسون⁸³، سفری پاییزی در ایران در ایران باختری از دوراند⁸⁴، سفرنامه خراسان از سر آلبرت هوتم شیندلر (شندلر)⁸⁵، یک مسافرت ایرانی از فردریک چارلز

ریچاردز⁸⁶، ده هزار مایل در پرشیا یا هشت سال در ایران⁸⁷ کشور و داستان یک سفر زیارتی یا شکوه و افتخار عالم تشیع (1910)⁸⁸ از ژنرال سر پرسی سایکس، شرح یک سفر به سوی خراسان (دو جلد، 1825)، شرح مسافرت و حوادث سفر کردستان و استان‌های کرانه جنوبی بحر خزر (1826) و سفری در زمستان از قسطنطنیه تا تهران و مسافرت‌های بین نواحی مختلف ایران (دو جلد، 1838)⁸⁹ همگی از جیمس بیلی فریزر، سفرنامه، تصویرها و منظره‌های ایرانی از مارگارت لوئیان گرترویدل⁹⁰، ماجراهای نخستین از سر اوستن هنری لایارد⁹¹ (دو جلد، 1884)⁹²، شرح سفری به ایالت خراسان از کلنل سی‌ام مک گرگور⁹³، سفرنامه ویلز از ویلز⁹⁴، ایران، خلیج فارس⁹⁵، بندر عباس در فارس، دو سال در کردستان و جنوب غربی ایران⁹⁶ همگی از سر آرنولد تالبوت ویلسون، از کوهستان‌های ایران از اف هیل، اف، نامه‌هایی از قهستا، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان شناسی⁹⁷، سفرنامه خراسان و سیستان از کلنل سر چارلز ادواردییت⁹⁸، سفرنامه (سه جلد) از ویلیام اوزلی، سفرنامه از هند به انگلستان از راه ایران.... (1818)، سفر راولینسون از تبریز تا کردستان و ویرانه‌های تخت سلیمان (1831)، یادداشت‌هایی درباره سفر از ذهاب تا دامنه کوه‌های زاگرس در امتداد کوه‌های خوزستان (شوش) (1839)، سفرنامه (1840)، یادداشت‌هایی درباره جغرافیای قدیم محمره و حومه آن (1857) و یادداشت‌هایی درباره نقشه سیستان (1873) همگی از هانری کروزیک راولینسون، یادداشتی جغرافیایی درباره کشور ایران (1813) از جان مک دانلز کدینز، کشور و مردم ایران (1850) از جان کیتو، یک شرح و تصویر از استان خوزستان (1864) از اوستن هنری لایارد و دومین مسافرت از میان ایران (1818) از جیمز موریه.

نتیجه‌گیری

روابط سیاسی ایران و انگلستان به طور رسمی و مستمر و در چارچوب مناسبات دیپلماتیک عصر جدید از عهد فتحعلی‌شاه قاجار برقرار شد؛ هر چند روابط و مناسبات میان دو کشور به اشکال و صور مختلف از چندین سده پیش آغاز شده بود. بخش قابل توجهی از این روابط را مناسبات و روابط فرهنگی تشکیل می‌داد که یک وجه آن رد خدمت مصالح سیاسی و منافع استعماری امپراتوری بریتانیای کبیر و در جهت شناخت بیشتر از ایران و مشرق زمین در مسیر این مصالح و منافع بود و وجه دیگر آن استقلال و هویت علمی و پژوهشی خاص خود را داشت. وجه اخیر حاصل تلاش انگلیسی‌های ایران‌شناس و بعضاً ایران‌دوست و پژوهندگان گوناگونی بود که گاه در متن یا حواشی مأموریت‌ها و مسؤولیت‌های سیاسی و نظامی آنان و گاه در سفر به ایران و سیر و سیاحت و حضور و اقامت در این سرزمین در قالب مشاهدات، خاطرات و سفرنامه‌ها و یا در مسیر پژوهش‌ها و تحقیقات دانشگاهی و آکادمیک محققان و دانشگاهیان انگلیسی صورت می‌گرفت.

در دوران صد و پنجاه ساله قاجارها بر ایران، بسیاری از انگلیسی‌های ایران-شناس و فارسی‌دان اعم از دیپلمات‌های مقیم ایران، نظامیان مأمور در ایران، سیاحان و ایرانگردان ایران‌پژوه، و دیگر پژوهندگان و دانشگاهیان انگلیسی در دانشگاه‌ها و

مؤسسات و مراکز پژوهشی و محافل آکادمیک آن کشور - در دنباله تحقیقات و تلاش - های فرهنگی پیشینیان خود - به خلق آثار تألیفی و تحقیقی بسیاری در عرصه های گوناگون فرهنگ و تاریخ و جغرافیا و هنر ایران و زبان و ادب فارسی پرداختند و با ترجمه و انتشار آثار منظوم و مثنوی فارسی، نقد و تصحیح متون علمی و ادبی فارسی، کاوش ها و کشفیات باستان‌شناختی و پژوهش‌های گسترده و ژرف در ساحت‌های مختلف ایران‌شناسی، از یک سو به معرفی و ترویج فرهنگ و ادب ایرانی و فارسی در انگلستان و مغرب زمین پرداختند و از دیگر سو زمینه شناخت بیش از پیش ایرانیان و فارس‌زبانان را با تاریخ و سرزمین و زبان و ادبیات خود فراهم ساختند. تلاش‌های این نقش‌آفرینان عرصه روابط فرهنگی دو کشور و آثار ارزنده آنان در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، دوران پربار و درخشانی از روابط فرهنگی دو کشور را در عصر قاجار رقم زد. این مناسبات و تعاملات، غالباً مسیری متفاوت از روابط سیاسی نابرابر دو کشور داشت و تا حدود زیادی از سیاست‌های سلطه‌جویانه و سیطره‌گرایانه انگلستان در ایران مستقل ماند.

یادداشت ها:

1. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1354، ج 2، ص 6.

2. تیموری، ابراهیم (تحقیق، تعلیقات و توضیحات)، دو سال آخر، یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران، سال‌های 34-1833 (دو سال آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1384، ج 5 تا 7، ص 12 و 13.

3. [http www.british embassy](http://www.britishembassy)

4. تیموری، ابراهیم (تحقیق، تعلیقات و توضیحات)، دو سال آخر، یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران، سال‌های 34-1833 (دو سال آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1384، ص 154 و 174.

5. رایت، سر دنیس، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان دوره قاجاریه 192-1787، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1359، ص 174؛ ورهرام، غلامرضا، منابع تاریخ ایران در دوره اسلامی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1371: 133.

6. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380: 470.

7. حقیقت، 367؟

8. رایت، سر دنیس، انگلیسی ها در میان ایرانیان دوره قاجاریه 192-1787، ترجمه

لطفعلی خنجی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1389، پانوش، 175.

9. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 58 و 59.

10. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای

گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357.

11. نظام مافی، 1380، 267 و 269؛ رایت، سر دنیس، انگلیسی ها در میان ایرانیان

دوره قاجاریه 192-1787، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر،

1359، 175.

12. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 720؛ سیدی،

1378، 297.

13. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1160 و 1161.

14. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 470.
15. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 470 تا 475.
16. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357، ص 62.
17. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 252 تا 254.
18. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357، ص 63.
19. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 523.
20. سیدی، مهدی، تاریخ شهر مشهد، تهران، انتشارات جامی، 1378، ص 408.
21. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1251 تا 1253.
22. سیدی، مهدی، تاریخ شهر مشهد، تهران، انتشارات جامی، 1378، ص 365.

23. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 803.

24. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 801 تا 804؛

سیدی، مهدی، تاریخ شهر مشهد، تهران، انتشارات جامی، 1378، ص 397.

25. <http://www.britishembassy>

26. سیدی، مهدی، تاریخ شهر مشهد، تهران، انتشارات جامی، 1378، ص 397.

27. خلیلی، محسن، «نقدی از دیگر - ایران‌شناسی انگلیسی‌ها»، پژوهش‌نامه علوم

سیاسی، س 1، ش 2، بهار 1385.

28. گرکانی، فضل‌الله، ایران در میاندو سنگ آسیا، تهران: انتشارات روزنه، 1356، ص

34 تا 37؛ سایکس، سر پرسی، شکوه عالم تشیع: داستان یک سفر زیارتی (سفرنامه و

سرگذشت زندگی نورالله خلف مرحوم محمدحسین‌خان اصفهانی)، ترجمه مصطفی

موسوی (زنجان)، تهران: انتشارات بهجت، 1373، ص 3، 5، 6 مقدمه مترجم.

29. طاهری، ابوالقاسم، سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، تهران: انتشارات دنیا، 1352، ص

223 تا 235؛ ورهرام، غلامرضا، منابع تاریخ ایران در دوره اسلامی، تهران، مؤسسه

انتشارات امیرکبیر، 1371، ص 133 و 134؛ سایکس، سرپرسی، سفرنامه ژنرال سر

پرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، با تجدید نظر و

حواشی و تعلیقات و فهارس، تهران: انتشارات لوحه، 1363، ص نه، ده و سیزده تا

شانزدهم مقدمه مترجم؛ سایکس، سر پرسی، شکوه عالم تشیع: داستان یک سفر زیارتی (سفرنامه و سرگذشت زندگی نورالله خلف مرحوم محمدحسین خان اصفهانی)، ترجمه مصطفی موسوی (زنجان)، تهران: انتشارات بهجت، 1373، ص 3 و 4 مقدمه مترجم.

30. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 607.

31. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 608.

32. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1200 و 1201؛ ویلسون، 1363: 5 مقدمه مترجم.

33. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1201 و 1202.

34. هیل، اف، نامه هایی از قهستا، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان شناسی، 1378: 10 و 11 مقدمه مترجم.

35. بارنز، آکس، سفرنامه بانز، ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، 1373، ص 7 پیشگفتار مترجم.

36. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 343.

37. به نقل از امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1375: 28.

38. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 163 تا 175؛

امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش

زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1375: 29 تا 32.

39. ورهرام، غلامرضا، منابع تاریخ ایران در دوره اسلامی، تهران، مؤسسه انتشارات

امیرکبیر، 1371، ص 136.

40. قیصری، علی، روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه محمد دهقانی، تهران،

انتشارات هرمس، 1383: 33.

41. احمدوند، عباس، مطالعات شیعی در غرب، نامواره امین، چهل گفتار در ایران

شناسی و اسلام شناسی، ویراسته سید حسن امین، تهران، انتشارات دایره المعارف

ایران، 1382، ص 337.

42. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 459 تا 462؛

امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش

زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1375: 34.

43. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 530 و 531.
44. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 581.
45. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 658 تا 661.
46. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 888 تا 890 و 896.
47. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 965، 968، 969.
48. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 980 تا 982.
49. به نقل از امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357: 24 و 25.

50. به نقل از امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357، ص 25 و 26.
51. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 24 و 25؛ طاهری، 1352: 195 تا 217.
52. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 357.
53. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 357 تا 361.
54. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1374، ص 75.
55. امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1374، ص 21.
56. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 467.
57. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2، [تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 741 و 742.

58. به نقل از امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357، ص 24.

59. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 872.

60. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 944 تا 946.

61. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1011.

62. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1147 تا

1151؛ امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای

گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1375: 35 تا 41.

63. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1182 تا 1184.

64. نیک بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان و مسافران مشرق زمین، جلد 2،

[تهران]، انتشارات آرون باهمکاری شرکت سهامی انتشار، 1380، ص 1199 و

1200.

65. به نقل از امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، 1357، ص 26.
66. تاریخ ادبیات ایران، ترجمه علی پاشا صالح، فتح‌الله مجتبابی، علی اصغر حکمت و غلامرضا رشید یاسمی.
67. مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد لوی عباسی، تهران، معرفت، 1335.
68. انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه (مشیر همایون)، تهران، معرفت، 1338 و انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهدی قزوینی، ویراسته سیروس سعدوندیان، تهران، انتشارات کویر، 1376.
69. تاریخ زحمات ملت ایران برای تحصیل مشروطیت، تهران، 1339ق
70. آخرین روزهای لطفعلی خان زند، ترجمه هما ناطق و جان گرلی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1356
71. تاریخ سلاطین ساسانی (دو جلد)، ترجمه محمدعلی فروغی، 1316.
72. تاریخ مفصل ایران (دو جلد)، سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، علمی، 1362.
73. تاریخ مختصر ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، اصفهان، 1352 ق/1312ش.

74. تاریخ کرمان، ترجمه نصرالله خان نواب شیرازی، کرمان، 1322ق.
75. تاریخ نادرشاه افشار، ترجمه ابوالقاسم ناصرالملک، بی جا، بی نا، 1321.
76. ایران و قضیه ایران، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، ابن سینا، 1347 و ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1349 و 1350.
77. دو سال آخر، یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران، سالهای 34-1833 دو سال آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، تحقیق، تعلیقات و توضیحات از ابراهیم تیموری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1384.
78. تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، یساولی، 1362.
79. تاریخ ایران از ابتدای قرن 19 تا 1858، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1348 و تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه [غلامعلی] وحید مازندرانی، ج 2، تهران، چاپخانه سپهر، 1356.
80. تاریخ قاجار، ترجمه عباسقلی آذری، تهران، چاپ تصویر، 1348.
81. جنگ انگلیس و ایران در سالهای 1273ه ق/1327 (در محمره)، ترجمه حسین سعادت نوری، با حواشی عباس اقبال، تهران، مجله یادگار، 1327.
82. سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، 1366.

83. سفرنامه جکسون (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی، 1357.

84. سفرنامه دورانند، دورانند، ترجمه علی محمد ساکی، خرم‌آباد، کتابفروشی محمدی، 1346.

85. سفرنامه خراسان، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1347.

86. سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا (بزرگمهر)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1343.

87. سفرنامه ژنرال سر پرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، با تجدید نظر و حواشی و تعلیقات و فهارس، تهران، انتشارات لوحه، 1363.

88. شکوه عالم تشیع: داستان یک سفر زیارتی (سفرنامه و سرگذشت زندگی نورالله خلف مرحوم محمدحسین خان اصفهانی)، ترجمه مصطفی موسوی (زنجانی)، تهران، انتشارات بهجت، 1373.

89. سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، تهران، توس، 1364.

90. تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی، 1363.
91. سفرنامه لایاردیا ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مهراب امیری، کیومرث، زبان فارسی در جهان: انگلستان، [تهران]، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج، تهران، انتشارات وحید، 1367.
92. شرح سفری به ایالت خراسان، ج1، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، 1366، ج2، ترجمه اسدالله توکلی طبسی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، 1368.
93. ایران در یک قرن پیش (سفرنامه دکتر ویلز)، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال، 1368.
94. خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، ج2، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1366.
95. سفرنامه ویلسون یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، انتشارات وحید، 1347.
96. نامه‌هایی از قهستان، ترجمه و تعلیق محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان-شناسی، 1378.
97. سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران، یزدان، 1365.